



آیا ملائکه مختارند یا خیر؟

خداوند فطرس را برای کاری فرستاد، مقداری در آن کار کندی کرد و سرعت به خرج نداد، خداوند بال او را شکست و ... سرانجام بر اثر ولادت امام حسین(ع) و تبرک به گهواره آن حضرت به مقام قبلی بازگشت.

خداوند فطرس را برای کاری فرستاد، مقداری در آن کار کندی کرد و سرعت به خرج نداد، خداوند بال او را شکست و ... سرانجام بر اثر ولادت امام حسین(ع) و تبرک به گهواره آن حضرت به مقام قبلی بازگشت.

به گزارش خبرنگار مهر، همواره سؤالهای زیادی وجود دارد که ذهن افراد را به خود مشغول می کند، گروه دین و اندیشه خبرگزاری مهر برخی از پرتعدادترین سؤالاتی که توسط مردم از مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی پرسیده می شود را برای آگاهی مخاطبان ارائه می کند.

پرسش: آیا ملائکه مختارند یا خیر؟ اگر مختار نیستند پس فطرس ملک چه خطایی را توانست مرتکب شود که باعث گرفتاری او شد؟

پاسخ:

ابتداء لازم است به صورت اختصار به اوصاف کلی ملائکه که در قرآن و روایات آمده اشاره شود:

۱. فرشتگان موجوداتی عاقل و با شعورند، و بندگان گرامی خدا هستند. [۱]
۲. آنها وظائف مهم و بسیار متنوعی از سوی خدا بر عهده دارند، گروهی حاملان عرش، [۲] گروهی مدیران امر، [۳] گروهی قابض ارواحند، [۴] و گروهی مراقب اعمال، [۵] و حافظان انسان از خطرات، [۶] و گروهی مأمور عذاب الهی، [۷] و گروهی امدادگران الهی، [۸] و بالاخره گروهی مبلغان وحینند. [۹]
۳. آنها پیوسته مشغول تسبیح و تقدیس خداوند هستند. [۱۰]
۴. با این حال انسان به حسب استعداد تکامل برتر از آنها است. [۱۱]
۵. آنها گاه به صورت انسان متمثل می شوند. [۱۲]
۶. تعداد آنها بقدری زیاد است که قابل مقایسه با انسان نیست. [۱۳]
۷. آنها غذا نمی خورند، و نمی نوشند و ازدواج و زاد و ولد ندارند. [۱۴]
۸. آنها خواب و سستی و غفلت ندارند. [۱۵]
۹. آنها مقامات مختلف و مراتب متفاوتی دارند، بعضی همیشه در رکوع، و بعضی همیشه در سجودند. [۱۶]
۱۰. آنها سر بر فرمان خدا دارند و هرگز معصیت نمی کنند، چنانکه قرآن می فرماید: «فرشتگان هرگز در سخن بر او (خدا) پیشی نمی گیرند، (و پیوسته) به فرمان او عمل می کنند، از نکته اخیر روشن شد، که ملائکه معصوم می باشند، در نتیجه گناه و نافرمانی خدا را نمی کنند و همچنین می توان نتیجه گرفت که ملائکه دارای اختیار هستند. [۱۷]
- زیرا عدم معصیت و فرمانبرداری از آنها آنگاه ممدوح است که صاحب اختیار باشند، از این گذشته منشأ اختیار هر کسی علم و عقل او می باشد، و ملائکه عقل محض و خالص می باشند، چنانکه علی - علیه السلام - فرمود: خداوند ملک را آفرید و در او عقل قرار داد، ولی در انسان هم عقل قرار داد و هم شهوت. [۱۸] و از مطالب گذشته هم می توان نتیجه گرفت که ملائکه دارای تجردند، و از این ماده کثیف خلق نشده اند. [۱۹] و بال هم در ملک، مراد و کنایه از قدرت آنها است. [۲۰]
- اما قضیه ای فطرس ملک اصل آن در بحار آمده، که مرحوم مجلسی آن را از خرایج راوندی نقل نموده است که خداوند او را برای کاری فرستاد، مقداری در آن کار کندی کرد و سرعت به خرج نداد، خداوند بال او را شکست و او را در جزیره دوردستی انداخت ... سرانجام بر اثر ولادت امام حسین - علیه السلام - و تبرک به گهواره آن حضرت بال او برگشت (و به مقام قبلی خود عودت نمود) ... [۲۱] از این مسئله چند جواب می شود داد:

۱. روایت فوق، روایت واحدی است که سندی هم برای آن ذکر نشده است، (سلسلة سند به امام معصوم - علیهم السلام -) لذا نمی تواند در مقابل آیاتی که ملائکه را معصوم می دانند، قد علم کند، مخصوصاً که ما حق نداریم به روایاتی که مخالف قرآن است عمل کنیم.

۲. توجیه دیگر این است که فطرس ملک بر فرضی که ملک آسمانی باشد، خطا و معصیتی انجام نداد، بلکه فقط ترك اولای از او سرزده، و شاهد این توجیه متن روایت است (بفته الله في شيء فابطأه...) [۲۲] که فقط در انجام امر تأخیری از او سر زد، و با سرعت انجام نداد بلکه با کندی و تأتی و تأخیر اقدام کرد، نه این که اصل فرمان خدا را مخالفت نموده باشد شبیه جریان حضرت آدم [۲۳] و یونس [۲۴] که ترك اولای از آن دو سر زد، و چون شخصیت های باعظمتی بودند، به همان مقدار هم از آنها انتظار نبود، لذا خداوند تنبیه نمود. در قضیه فطرس هم همین باشد که ترك اولی انجام داده است و خداوند تنبیهی نمود تا به مقام سابق خود برگردد.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی، ج ۱۸، ص ۱۶۶-۱۷۶.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۱۳۶.

۳. تفسیر نمونه، ص ۱۶ و ص ۲۳۷-۲۴۳.

پی‌نوشت‌ها:

[۱]. انبیاء / ۲۶.

[۲]. حاقه / ۱۷.

[۳]. نازعات / ۵.

[۴]. اعراف / ۳۷.

[۵]. انفطار / ۱۰-۱۳.

[۶]. انعام / ۶۱.

[۷]. هود / ۷۷.

[۸]. احزاب / ۹.

[۹]. نحل / ۲.

[۱۰]. شوری / ۵.

[۱۱]. بقره / ۳۰-۳۴.

[۱۲]. مریم / ۱۷، هود / ۶۹ و ۷۷، هود / ۷۸.

[۱۳]. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۵۹، ص ۱۷۶، ح ۷.

[۱۴]. همان، ح ۵۹، ص ۱۷۴، روایت ۴.

[۱۵]. همان، ص ۱۷۵.

[۱۶]. صافات، ۱۶۴-۱۶۶، و بحارالانوار، پیشین، ج ۵۹، ص ۱۷۴.

[۱۷]. انصاری قمی، نهج‌البلاغه، ص ۳۷، خطبه ۱ «گروهی از آنان در صفوفی که از هم پراکنده نمی‌شود قرار دارند و عقولشان گرفتار سهو و نسیان نمی‌شود...» تمامی این اوصاف آنگاه جنبه مدحی پیدا می‌کند که دارای اختیار باشند و ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۱۷۵-۱۷۶.

[۱۸]. الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۱۱، ص ۱۶۴.

[۱۹]. ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم، ۱۳۷۰، ج ۱۸، ص ۱۷۶.

[۲۰]. همان، ج ۱۸، ص ۱۶۸.

[۲۱]. بحارالانوار، پیشین، ج ۴۴، ص ۱۸۲، روایت ۷.

[۲۲]. همان.

[۲۳]. طه / ۱۲۱.

[۲۴]. انبیاء / ۸۷.